

حقوق اقتصادی زن

در قرآن

و قانون مدنی



زهرا دهخدا

کسب و درآمد

طبق آیه‌ای که ذکر شد قرآن کریم با توجه به آیه اللرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن، (نساء / ۳۲) زنان هم‌پایه مردان در نتیجه کار و فعالیتشان دارای حق و بهره هستند. برخلاف دوران جاهلیت که نه تنها حق کار و دستمزد، بلکه هیچ‌گونه حقوق و ارزشی برای زن قائل نبودند. طرح این مسئله از سوی اسلام، زمانی صورت گرفت که زن از مالکیت هیچ بهره‌ای نداشت، بلکه خود به عنوان شیء قابل تملیک، عرضه می‌گردید تا آنجایی که ارث بازماندگان به حساب می‌آمد. با ظهور اسلام زن استقلال مالی یافت حتی هیچ‌گونه مسئولیت مالی در قبال فرزندان و خانواده ندارد. قانون مدنی نیز در تأیید همین اصل، در ماده ۱۱۱۸ تصریح می‌کند: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود، هر تصرفی را که می‌خواهد، بکند.»

حکم ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی ایران مبنای اسلامی و ریشه فقهی دارد؛ شیخ طوسی که از فقهای بزرگ امامیه در قرن پنجم هجری است در کتاب معتبر فقهی «الخلاف» بدین معنی تصریح نموده است که هرگاه زن به حد بلوغ و رشد رسید، اموالش به او تحویل داده می‌شود و او می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند، خواه شوهر داشته باشد یا نه و در صورت داشتن شوهر برای تصرف در اموالش نیازی به اجازه او ندارد.»

اسلام یگانه دین و ایدئولوژی همه جانبه‌ای است که در تمام ابعاد زندگانی بشر اعم از زن و مرد احکام و دستورات متعالی و راهبردی را بیان می‌کند که سعادت همگان در گرو عمل به آن‌هاست. جایگاه زن به عنوان عضوی مهم از جامعه انسانی در مختصات نظام اسلامی جلوه خاصی دارد. او در این نظام از حیض پستی و در حکم کالای قابل خرید و فروش به مقام ارزشمند انسانی و به سوی جایگاه واقعی خویش اوج گرفت. دین مبین اسلام در چهارچوب نظام اقتصادی خود به زن و حقوق او پرداخته و از آن جایی که قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز از قرآن و دستورات اسلامی سرچشمه گرفته است به حقوق اقتصادی زن مخصوصاً در سالهای اخیر بیشتر توجه کرده است.

دین اسلام به زن استقلال اقتصادی بخشید تا وی مانند مردان برای تصرف اموال خود حق مالکیت داشته باشد و بدون نظارت و قیمومیت کسی از آن‌ها بهره ببرد و با اختیار خویش ثروتش را در راهی که می‌خواهد، صرف کند. قرآن در این باره قاطعانه می‌گوید: «الرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن» (نساء / ۳۲) مردان را از آنچه به دست می‌آورند، بهره‌ای و زنان را نیز از آنچه به دست می‌آورند، بهره‌ای است. با توجه به این آیه و نیز اصل استقلال اقتصادی زن برخی حقوق اقتصادی او را بررسی می‌کنیم:

۳ اسلام پرداخت مهر را از امور لازم و مؤثر در بنیان خانواده و تحکیم پیوند زناشویی دانسته و با این آیه شریفه، لزوم دادن مهر به زنان را تأکید نموده است: «وآتوا النساء صدقاتهن نحله» (نساء/ ۴) مهر زنان را با کمال رضایت به آنها بدهید.

«نحله» در واقع، مرادف است با «عطیه»، «بخشش» و «عطای رایگان» که در آیه فوق بیان شده است. قرآن کریم در این آیه «نحله» را در کنار «صدقات» به کار برده و از آن به پرداخت با طیب خاطر و رضایت تعبیر کرده است.

در قانون نیز مهر یا صدق یک نهاد حقوقی و مالی است که زن بر اثر نکاح مالک آن می‌شود. در فرهنگ ما مهریه از بعد مالی - صرف نظر از ابعاد دیگر - می‌تواند نوعی امنیت مالی برای زن پس از جدایی یا فوت همسر به حساب آید، اگرچه این جدایی برای مدتی کوتاه باشد.

ارث

قرآن می‌فرماید: «للرجال نصیب مما ترک الوالدان والاقربون و للنساء» (نساء/ ۷) به این ترتیب زن شایسته ارث بردن است همچون طبقات دیگر ارث، با این آیه قرآن اعلام می‌نماید که سزاوار نیست زن از میراث همسر خود محروم بماند یا اندک سهم برد و دارایی خانواده‌ای که خود او از پایه گذاران اصلی آن بوده است در اختیارش قرار نگیرد.

البته برخی این اشکال را وارد ساخته‌اند که اگر اسلام زن و مرد را از لحاظ حق و حقوق مساوی می‌داند، چرا سهم الارث زن را نصف سهم الارث مرد قرار داده است؟ قرآن کریم جواب داده است که «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم» (نساء/ ۳۴)

استدلال اسلام با توجه به محتوای آیه، این است که وضع خاص ارثی زن معلول وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر، نفقه، سربازی و بعضی قوانین جزایی دارد. امام صادق علیه السلام نیز در جواب این ابی العوجاء که اشکال می‌کرد چرا زن بیچاره و ضعیف باید سهم ببرد و مردان دو سهم، فرمود: این برای آن است که اسلام سربازی را از عهده زن برداشته و به علاوه، مهر و نفقه را به نفع او بر مرد لازم شمرده است و در بعضی جنایات اشتباهی که خویشان جانی باید دیه بپردازند، زن از پرداخت دیه و شرکت با دیگران معاف است. از این رو، سهم زن در ارث، کمتر از سهم مرد است.^۲

در قانون مدنی و فقه نیز بسیاری از قواعد ارث بر موازین شرعی تکیه دارند. به همین دلیل، در فقه تنها از میراث زوج و زوجه - ای سخن به میان می‌آید که در کنار خویشان نسبی در هر طبقه‌ای که باشند، ارث می‌برند و در هیچ حالتی برای محروم شدن از ارث، مانعی برایشان وجود ندارد.

ماده ۸۶۴ قانون مدنی در این مورد تصریح می‌کند: «از جمله اشخاصی که به موجب سبب، ارث می‌برند هر یک از زوجین است که در حین فوت دیگری زنده باشند.»^۳ ذیل ماده ۹۰۷ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد:

اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی از آنها دختر باشند، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد.^۴

از جمله اصلاحاتی که اسلام نسبت به اوضاع و احوال زنان امت خود پدید آورد، این است که زن را مالک مستقل دارایی خود شناخت و به مرد (پدر، شوهر، پسر و برادر) حق هیچ گونه دخالتی در امور مالی زن را نداده است. بنابراین، چون زن در کلیه عقود و معاملات حقوقی مختار و آزاد است در وصیت هم اختیار کامل دارد که به هر نحوی که علاقه دارد در اموال خود با رعایت حدود و مقررات عمومی وصیت کند. آیه ۱۸۰ سوره بقره می‌فرماید: «کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیرا الوصیه للوالدین والاقربین بالمعروف حقا علی المتقین» بر شما مقرر شده است که وقتی یکی از شما را مرگ فرارسد، اگر مالی از خود به جای گذارده است، برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند این حق مسلم پرهیزکاران است. با توجه به اطلاق آیه در این مورد، روشن است که زن نیز می‌تواند همچون مرد در اموال و دارایی خود وصیت کند.

در قانون مدنی نیز اطلاق مواد قانونی در این باب، بیانگر آن است که زن می‌تواند با رعایت حدود و مقررات، نسبت به اموال خود وصیت کند.

ماده ۸۳۵ قانون مدنی بیان می‌کند: «موصی [وصیت کننده] باید نسبت به مورد وصیت جایز التصرف باشد.»^۵ همچنین ماده ۸۳۸ قانون مذکور اعلام می‌کند: «موصی می‌تواند از وصیت خود رجوع کند.»^۶ در این مواد و دیگر مواد قانونی در باب وصیت، منظور از موصی هم زن است و هم مرد.

نتیجه سخن اینکه در مورد حقوق مالی و اقتصادی، اسلام توجه خاصی به زن نموده و ارفاقات اسلام به زنان در این مورد در مقایسه با سایر حقوق ملل و اقوام، حتی در مقایسه با حقوق مدنی در جوامع متمدن امروز، بسیار چشمگیر و وسیع تر از مرزهایی است که دیگر دولت‌ها برای زن شناخته و در نظر گرفته‌اند، البته ذکر این نکته ضروری است که در این استقلال اقتصادی که اسلام به زن عطا کرده، جنبه‌های انسانی و عدالت دوستی اسلام نیز نهفته است. انقلابی که اسلام در این زمینه به وجود آورده، یک انقلاب آرام و بی‌خطر است، برخلاف غرب که با اصل استقلال اقتصادی زن به گونه‌ای دیگر، زن را گرفتار بندگی و جان کندن بیرون از خانه کرده است.^۸

پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ماده ۱۱۱۸، ص ۶۹۱.
۲. اذا بلغت امراه و هی رشیده دفع الیها مالها و جازلها ان تصرف فیه سواء کان لها زوج اولم یکن و اذا کان لها زوج فنصرفها لایفقرا الی اذن زوجها...: شیخ طوسی، الخلاف، چاپ مؤسسه نشر اسلامی، قم، ج ۳، ص ۲۸۶.
۳. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۳۶۰ و ۳۶۱.
۴. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۵۳۸.
۵. همان، ص ۵۶۱.
۶. همان، ص ۵۱۸.
۷. همان، ص ۵۱۹.
۸. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

